

تفسیر نامربوط آقای کرکی

در مورد استقلال کردستان عراق

امیرفیض- حقوقدان

بمناسبت تحولات اخیر در رابطه با رفتارندم برای استقلال کردستان عراق ، صفحه آخر صدای آمریکا مصاحبه ای با شخصیت های کردستان عراق ترتیب داد که باتشکر از جاوید ایران که برنامه مزبور را در مسیر آگاهی عمومی قرار، داد بنده هم در جریان استفاضه از آن قرار گرفتم.

در این برنامه آقای دکتر! کرکی رئیس پیشین پارلمان عراق و فرمانده پیشمرگان کرد و حسن شرفی جانشین دبیرکل حزب کردستان عراق و کسانی دیگر حضور داشتند، از عبدالله مهدی هم دعوت شده بود که در جلسه مصاحبه حضور نداشت. موضوعی که از آن گفتگو، مد نظر این تحریر است اظهارات آقای کرکی راجع به قانون اساسی عراق و مسئله همه پرسی برای استقلال کردستان است.

حای خالی تجزیه طلب بزرگ

نخستین توجه، خالی بودن صندلی مصاحبه از رئیس ویا نماینده شورای تجزیه طلبان ایران بود خاصه که عبدالله مهدی دوست رئیس شورای تجزیه طلبان رئیس حزب کوموله کردستان ایران هم نتوانسته بود در مصاحبه حاضر شود تا در کنار حسن شرفی از استقلال کردستان ایران بطور کلی دفاع کند.

حاشیه = ماده ۱۱ قطعنامه شورای تجزیه طلبان بمناسبت جلب همکاری کومله کردستان پیاده شده است در سال ۹۱ روابط دوستانه و حتی سری بین اعلیحضرت و عبد الله مهدی^۱ وجود داشته و روزنامه لوپن مطلبی از گفتگو با مهدی داشته که مهدی در مقابل استیضاح ملاقات با رضاپهلوی چنین گفته است:

>این حق خودمان است که با همه اپوزیسیون ایرانی مذاکره و گفتگو کنیم خصوصا با بزرگ مردی همچون رضاپهلوی من وقتی به دست بوسی ایشان رفتم ایشان مراد را غوش گرفت و گریست< (پایان حاشیه)

^۱ - عبدالله مهدی فرزند حاجی رحمان آقای مهدی (یکی از وزرای جمهوری مهاباد) زاده ۱۳۲۸ در شهر بوکان از توابع استان آذربایجان غربی و در خانواده ای سیاسی به دنیا آمد.

تحصیلات خود را در تهران سپری کرد و در جریان مبارزات مخفی علیه حکومت پهلوی و دنبال کردن تجزیه ایران به جمهوری مهاباد و کومله به زندان افتاد در سال ۱۳۴۸ شمسی با تعدادی از دانشجویان کرد ایران (مهندس فؤاد مصطفی سلطانی، مهندس محمد حسین کریمی، و...) کومله را تأسیس کردند. پس از کشته شدن فؤاد مصطفی سلطانی در سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۲ عبدالله مهدی بعنوان رهبر کومله انتخاب شد و پس از تأسیس حزب کمونیست ایران توسط کومله با گروهی از کمونیست های ایرانی به نام سهند و جمعی افراد منفرد دیگر عبدالله مهدی سمت دبیر کلی حزب کمونیست ایران را بر عهده گرفت و نام کومله هم به سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومله) تغییر یافت. ح-ک

واما بعد

متصدی برنامه آقای فلاحتی^۲ از آقای کرکی سوال کرد شما که به قانون اساسی عراق احترام میگذارید آیا در قانون اساسی عراق اجازه همه پرسی برای استقلال کردستان عراق داده شده؟
 اظهارات آقای کرکی موضوع این تحریر را تشکیل میدهد.

ایشان چنین پاسخ داده است:

۱- در مقدمه قانون اساسی عراق آمده است که اتحاد عراق اختیاری است نه اجباری یعنی به زور تشکیل نشده و آرزو مندانه است.

۲- در قانون اساسی عراق هیچ ماده و حصری راجع به فرآیند نیست لذا موضوع مربوط میشود به کردستان عراق.

۳- در هیچ کجای قانون اساسی عراق ذکر نیست که فرآیند باید با دستور عراق انجام بگیرد، پس کردستان، حق دارد که فرآیند کند.

آقای فلاحتی وارد پاسخهای آقای کرکی نشد و آنرا موضوعی حقوقی دانست.

تفسیر نامانوسی

۱- عبارت <اتحاد عراق اختیاری است نه اجباری> به معنای نبودن کره و اجبار و فشار در ایجاد اتحاد عراق است و کلمه (آرزو مندانه) در عبارت قانون اساسی مکمل نبودن فشار و کره و سلب آزادی از اتحاد عراق است و اتحاد عراق را بصورت یک آرزو نشان میدهد نه اینکه عبارت مزبور ناظر است که کردها و یا اقلیت های دیگر اختیار دارند که هر زمان که بخواهند اتحاد عراق را مضمحل و اعلام استقلال کنند.

تصور میشود که این برداشت نا متعادل و نامانوس ایشان از هوای فکری آقای عراقچی ایران است که گفت: <برجام اختیاری است و هر وقت که جمهوری اسلامی بخواهد میتواند برجام را ترک کند>.

۲ - الهام ستاکی که از مجریان برنامه های صدای آمریکا بود در برشی از زمان در پی تجاوز و آزار جنسی مهدی فلاحتی مجری برنامه صفحه آخر شکایت میکند. گرچه الهام ستاکی گواهی پزشکی ارائه میدهد ولی الهام را اخراج و مهدی فلاحتی همچنان بر سر کار مانده است. در صورتی که جمشید چالنگی که مجری برنامه «تفسیر خبر» بود و شایعه فساد اخلاقی او در رابطه با «نگار محمدی» بر زبانها افتاد از صدای آمریکا اخراج شد.

مهدی فلاحتی در اردیبهشت سال ۱۳۹۲ در وب سایت رسمی اش مطلبی را با عنوان "چراغی می زند سوسو" نوشته و به صورت رسمی از آقای سید محمد خاتمی حمایت نموده و اعلام داشته: "چرا از خواست مردم حمایت نکنیم؟". او می نویسد:

«اما در این روزها تنها چراغی که در ناامیدی سوسو می زند و مردم بیش از پیش حضورش را غنیمت می شمارند و البته رژیم به هر طریق سعی در خاموش کردن این چراغ دارد خاتمی است».

در یکجا آمده بود مهدی فلاحتی از جمله چریک های فدایی بوده است که از سوی سیا جذب شده و به صدای آمریکا راه یافته است.

تصریح قانون اساسی عراق به اینکه اتحاد عراق اختیاری است نه اجباری همان است که در قرارداد های مدنی نوشته میشود (اسقاط کافه خيارات از طرفین شد) یعنی طرفین قرارداد نمیتوانند به کره و اجبار و تدلیس و غبن که از مراتب ابطال عقد است متوسل بشوند.

۲- قانون اساسی کشورها از حقوقی که متعلق به کل جامعه و کشور است صحبت و تعیین تکلیف میکند و در عبارت واضح آنچه که حق جامعه است در آن قانون احصاء میگردد و معنای آن این است که هر چه در قانون اساسی بنام حق شناخته نشده قابل مطالبه نیست.

فرق قانون اساسی با قوانین موضوعه این است که برعکس قانون اساسی، در قوانین موضوعه (پارلمانی) آنچه که مردم بر آن حقی ندارند و یا برای استفاده از آن حقوق تابع نظم خاصی مشخص شده و آنچه که منع قانونی و یا تعلق شرط ندارد استفاده از آن حق افراد است.

تصور میکنم که آقای دکتر! کرکی این دو موضوع یعنی دایره حق را در قانون اساسی و در قانون موضوعه مخلوط و یا اشتباه گرفته است که میگوید: «در قانون اساسی عراق هیچ ماده و حصری برای همه پرسشی نیست، پس کردستان عراق حق همه پرسشی دارد».

صحیح عبارت ایشان چنین میشود: «چون در قانون اساسی عراق مسئله همه پرسشی برای استقلال عراق پیش بینی و مقرر نشده پس اجرای همه پرسشی خلاف قانون اساسی است».

نتیجه آنکه حقی که در قانون اساسی کشورها از جمله عراق برسمیت شناخته نشده قابل مطالبه نیست. تصور نمیکنم تز و اظهار نظر آقای کرکی با سابقه ای حتی ضعیف قابل نمونه برداری باشد.

در تمام مبارزات سیاسی خواسته مبارزین، محصور و محدود به حقوقی است که در قانون اساسی آن کشور مستقر است نه اینکه حقوقی که در قانون اساسی نیست ولی در مخیله کسانی هست مورد مطالبه قرار گیرد.

۳- ادعای سوم ایشان، مخلوط نا متوازن است به این معنا که فراندم که به تائید ایشان در قانون اساسی عراق نیست، نمیتواند در همان قانون شرط دستور دولت عراق را داشته باشد، من متعجب هستم که آقای کرکی به چنین ادعائی آنهم در یک رسانه ای که میلیون ها بیننده دارد برای دفاع از استقلال کردستان متوسل شده اند.

انتقاد وارد بر برنامه مزبور

دقت خاصی که آقای مهدی فلاحی در کلمات طرفهای مصاحبه دارند که میتوان گفت نمونه ای متمایز است و نشان از احاطه به موضوعات لااقل آنچه که بعنوان سوال مطرح میکنند را دارد، نمیبایستی درباره اظهارات آقای کرکی بعنوان حقوقی بودن موضوع از کنار آن میگذشتند زیرا برنامه که تمام شد اثر اظهارات نادرست آقای کرکی رسوب خود را خواهد گذاشت تا کسی بیاید و درباره اظهارات ایشان مطلبی بنویسد و یا بگوید کار از کار گذشته است «تاتریاق از عراق آورده شود مارگزیده مرده باشد» از باب نمونه همان برنامه صفحه آخر را میلیون هاشنیده اند و این لایحه را از تعداد انگشتان هم کمتر ممکن است به بینند.

الگوی خطرناک

از آنجا که کم و کیف تجزیه عراق و استقلال کردستان آن کشور الگویی برای تجزیه طلبان ایران خواهد بود، لذا استدلال کرکی نسخه و راهنمایی برای تجزیه طلبان ایران خواهد شد که بگویند چون در قانون اساسی جمهوری اسلامی منعی برای رفتارندم و استقلال اقلیت ها نیست لذا تجزیه طلبان ایران هم حق دارند هماهنگ با اقدامات کردستان عراق عمل کنند. سنت حقوقی در مسائل بین المللی از همین طریق ها نضج میگیرد.

توجه – همانطور که در ابتدای این تحریر عرض شد موضوع این تحریر محدود و منحصر به همان اظهارات آقای کرکی است که اشاره شد و ورودی به مسئله تجزیه کشورها ندارد.

ضمیمه

تفسیر نامربوط آقای کرکی در مورد استقلال کردستان عراق

در تحریر بالا بخشی از مستندات آقای کرکی در مورد استقلال کردستان عراق مطرح شد و اکنون فرصتی است که به موردی دیگر از مستندات ایشان نگاه مشترکی داشته باشیم.

آقای کرکی در همان مصاحبه صفحه آخر دوبار به جواز! منشور سازمان ملل برای استقلال کردستان عراق اشاره، زود گذر، کردند و در واقع، خواست استقلال طلبانه کردهای عراق را جواز منشور سازمان ملل ارانه دادند.

برداشت و تفسیر نامربوط

همانطور که در تحریر مورد اشاره به استناد دلایل ارانه شده تفسیر آقای کرکی از قانون اساسی عراق نامربوط و ناموجه بود برداشت و تفسیر ایشان هم از منشور سازمان ملل ناموجه و نامربوط است.

ماده مورد استناد کرکی چیست

در منشور سازمان ملل متحد هیچ ماده و صراحتی بر حفظ حقوق اقوام و خودمختاری و یا استقلال آنها نیست تنها ماده ای که واژه خود مختاری در آن بکار رفته و مستمسکی برای تجزیه طلبان شده بند دوم ماده یکم منشور است که عینا به اینجا آورده میشود:

>توسعه روابط دوستانه در بین ملل (۱) بر مبنای احترام به اصل تساوی (۲) حقوق و خودمختاری ملل (۳) و انجام سایر اقدامات مقتضی (۴) برای تحکیم صلح جهانی.<

نخست این توجه بجاست که از تاریخ تشکیل سازمان ملل متحد و عضویت کشورها در آن سازمان بینش و منشهای سیاسی و حقوقی ملتها دستخوش تحول ملایمی گردیده تا بتواند در حلقه روابط دوستانه و عضویت سازمان ملل قرار گیرند یکی از آن تحولات بسته شدن پرونده اقوام و طوائف و قبیله ها و امثال آنهاست که هر کدام از آنها در یک یا چند قطعه و سرزمین سکنی و تسلط داشته اند و با این واقعیت که هر یک از همان اقوام خود نیز به تعدادی از اقوام کوچکتر قسمت شده اند از باب نمونه در همین کردستان عراق، علاوه بر کردها اقلیت های آشوری - ترکمن - عرب - کلدانی - یزیدی - ارمنی و غیره زندگی میکنند.

امروزه حقوق بین الملل بجای فرقه گرایی راه ملت گرایی و همبستگی ملت هارا برگزیده و برای اقوام و طوائف حق حاکمیت مشخص و مجرانی قائل نشده است چراکه اگر غیر این میبود تعداد قبائل و اقوام به هزارها میرسید نه ۱۹۳ کشور

امروز در حقوق بین الملل آن چیزی که مطرح است ملت است نه اقوام و طوائف و اقلیت و اکثریت. البته که مجمع عمومی سازمان ملل متحد توجه خاصی به حقوق اقلیت های قومی و مذهبی داشته است چنانکه در مجمع عمومی ۱۸ دسامبر سال ۱۹۹۳ در قطعنامه ۱۳۵/۴۷ حقوق اقلیت های قومی احصا و دولتها موظف به رعایت آن حقوق شده اند که در آن قطعنامه کوچکترین اشاره ای به حق خودمختاری و استقلال طلبی اقلیتها نیست.

حاشیه- در مورد اقوام ایرانی و تعداد آنها تحقیقی که جنبه رسمی داشته باشد در دست نیست و با آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی هر ۱۰ سال سرشماری را پیش بینی کرده ولی نتایج سرشماری اول تاکنون رسماً منتشر نشده.

شادروان سپهبد رزم آرا در کتاب جغرافیای ارتش به مسئله اقوام و آمار آنها پرداخته است.

آقای پروان ابرامیان هم در کتاب ایران بین دو انقلاب اسامی، اقوام ایرانی را بشرح زیر آورده است:

فارسی زبانان - سیستانی - کرد - بلوچ - مازندارانی - گیلک - بختیاری - لر - مردم لک - تالشی - گرجی ها - ارمنی ها - ترکمن ها - آذربایجانی - قشقایی - ترکمن - شاهسون - افشار - قاجار - بیات - عرب

همین نبودن آمار رسمی میدان ادعای تجزیه طلبان کشوده چنانکه جمهوری آذربایجان صحبت از ۳۰ میلیون آذری میکند و هر ۵ سال هم تعداد آنها را اضافه مینماید و تجزیه طلبان خوزستانی از ۱۰ میلیون عرب در جنوب ایران حرف دارند.

یکی از ماخذی که نسبت به اقوام ایران و زبان و موقعیت و بینش و منش آنها بررسی کرده کتاب سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) است سیا در تحقیق خود اقوام ایرانی را به کرد و بلوچ و عرب و ترکمن با تعداد جمعیت هر یک تقسیم کرده و این تحقیق سیا نسبت به افغانستان و عراق و شاید جاهای دیگر هم شده است و این بدان منظور است که تجزیه کشورهای خاورمیانه **و از جمله کشورما** که در برنامه و خواست آمریکاست به این اطلاعات نیاز دارد و البته که تحقیق سیا بتهنای کار ساز تجزیه ایران نمیشود و محتاج به زمینه سازی و تقویب افکار تجزیه طلبی هم هست که هم جمهوری اسلامی در عمل بواسطه تعصبات مذهبی بوجود آورده و هم جنبه سیاسی و ملی آنرا شورای تجزیه طلبان در حدی غیر قابل تصور رونق بخشیده است در حدی

که در هیچ کارسیاسی واجتماعی در ۳۵ ساله کمپینی با ۲۰ هزار امضا و شخصیت های سیاسی وصاحبان هويت و اعتبارسیاسی برای ایجاب مقبولیت تجزیه ایران براه نیافتاده است. (پایان حاشیه)

ادامه مطلب.

(۱)- صراحت بند دوم ماده یکم منشورسازمان ملل که دربالا بنظررسید متوجه به ملل یعنی ملتهاست نه اقوام وقبيله ها وطوائف وامثال آنها.

ملت ممکن است از نظراجتماعی، فلسفی وتاریخی با معانی مختلفی شناخته شود ولی امروزه بمناسبت نظم حقوقی حاکم برکشورها (عضویت سازمان ملل) ملت به جمعیتی اطلاق میشود که درمحدوده معین جغرافیائی که حقوق بین الملل آن محدوده رابرسمیت شناخته باشد زندگی میکنند ودارای حق حاکمیت و قانون اساسی وحکومت میباشد. و آن چیزی که امروز از نظرحقوق بین الملل درایجاد شخصیت حقوق ملت مطرح نیست زبان ودین ونژاد وامثال آنهاست.

(۲)- اصل تساوی که دربند مزبور آمده ناظر به مقدمه واصل اول منشورسازمان است که از تساوی ملتها صحت دارد نه تساوی اقلیت ها ویا برابری آنها با اکثریت وامثال آنها.

(۳)- واژه خودمختاری دربند مزبور سبب سوء استفاده درتوجه معنای خودمختاری شده است.

خود مختاری، یعنی استقلال داشتن، حکومت مستقل داشتن، درگروه کشورهای تحت قیمومت قرار نداشته باشند وبطورکلی صاحب اختیاربودن واینها همان است که از ارکان استقلال ملی کشور ها شناخته میشود.

دربند مورد نظر پسوند کلمه خودمختاری ملل آمده است نه اقوام و اقلیت ها چرا باید آنقدر خلط مبحث کرد که حقیقتی به این روشنی نادیده گرفته شود وگفت منشورسازمان ملل حق خودمختاری ر ایه اقلیت ها داده است.

(۴)- عبارت <سایراقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی> دربند مزبور بارجوع به جامع اقدامات مقتضی درمنشورسازمان ملل برای تحکیم صلح جهانی نشان میدهد که تمام آن اقدامات متوجه کشورها و ملت هاست نه اقوام و اقلیت ها.

نتیجه اینکه

نتیجه اینکه استناد آقای کرکی به منشورسازمان ملل درمورد استقلال کردسان استناد ناموجه ودرواقع جعل حکم است که وقتی جاعل شخص عادی نباشد میشود عالم به جعل که آن موقعیت دیگری رابرای آقای کرکی رقم میزند.

حقوق اقلیت ها

بحث حقوق اقلیت ها یک بحث تاریخی وفلسفی ودینی است و باتوجه به حقوق سیاسی کشورها و اعلامیه جهانی حقوق بشر و تساوی همه مردم کشور در مقابل قانون، موضوعی مرحومه ومختومه است. در حقوق بین الملل وحقوق سیاسی اصیل و دموکراتیکی هرکشوری دارای یک ملت ویک قانون اساسی ویک حکومت است و زبان و دین ونژاد وتبارایجاد اکثریت و اقلیت نمیکند.

از آنجا که فرهنگ ملت‌ها بیشتر به اعتبار باورهای مذهبی ملت‌ها رابه اکثریت و اقلیت تقسیم میکند سازمان ملل متحد برای جلوگیری از اثرات این توهم دینی و قومی و استحکام مبانی ملت، مصوبه‌ای به حقوق اقلیت‌ها تخصیص داد که در سال ۱۹۹۳ بتصویب رسید و میتوان گفت جامع‌ترین موردی است که جامعه جهانی حقوق اقلیت‌ها را یاد آوری کرده است. این تحریر برای اثبات اینکه در آن مصوبه نیز نامی از حقوق بنام خودمختاری و یا استقلال طلبی اقلیت‌ها نیست بجا میداند تا به رئیس آن مصوبه هم اشاره‌ای داشته باشد.

اعلامیه حقوق اشخاص متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی یا دینی و باستانی

- ۱- حمایت کشورها از بقای اقلیت‌ها
- ۲- از حقوق اقلیت‌ها و هویت آنها محافظت و آنها ترویج شوند (کاملاً در دوران سلطنت شاهنشاه آریا مهر رعایت میشد).^۳
- ۳- اقلیت‌ها نباید وادار به پنهان کردن فرهنگ‌ها، زبان و دین‌های خود شوند (رجوع به دوران سلطنت).
- ۴- اقلیت‌ها حق دارند بطور کامل در همه مسائل اجتماعی شرکت کنند (در دوران سلطنت شاهنشاه اقلیت‌ها حتی اقلیت‌های دینی در تمام مقامات کشوری و لشگری حضوری مشخص داشتند).
- ۵- تشکیل انجمن‌ها و حق نمایش‌های مسالمت‌آمیز (انجمن‌های ده و روستا و شهر و ولایات).
- ۶- اعضای ملت‌ها میتوانند حقوق خود را بصورت فردی یا به اتفاق سایرین اعمال کنند.
- ۷- دفاع از حقوق اقلیت‌ها نباید مجازات شود - اشخاص اقلیت‌ها باید از تمامی حقوق خود استفاده کنند.
- ۸- کشورها موظف هستند برای کمک به شکوفایی فرهنگ اقلیت‌ها اقدامات مثبت بعمل آورند. مفهوم مخالف این بند این است که خارجیان نباید فعالیت‌های تجزیه طلبانه را کمک کنند.
- ۹- آموزش زبان اقلیت‌ها عنصری کلیدی در محافظت از فرهنگ اقلیت‌هاست؛ تاریخ، سنت‌ها و فرهنگ اقلیت‌ها باید در آموزش رعایت شود.
- ۱۰- همه افراد از جمله اعضای اقلیت‌ها باید در پیشرفت جامعه خود شرکت داده شوند (انتخابات دوران مشروطیت ایران).

ملاحظه میکنید مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل در مورد اقلیت‌ها چه از باب زبان و دین و قومی و ملی هیچ اشاره‌ای به حق خودمختاری اقوام و اقلیت‌ها و یا استقلال خواهی آنها ندارد

برای توجه شورای تجزیه طلبان

^۳ - برنامه‌های هنری جشن شیراز، برنامه‌های محلی رادیو و تلویزیون، هنرهای زیبا، رادیو و تلویزیون‌های محلی به زبان محلی، ترانه‌های فولکلور... و و و ح-ک

هم منشور سازمان ملل متحد و هم مصوبه حقوق اقلیت ها ابدأ ذکری از تفویض اختیارات دولت مرکزی کشور عراق و یاق استقلال به آنها ندارد، باین وجود ملاحظه دارید که جدائی طلبان کرد عراقی باچه غلو و توسل به جعل و دروغ خود را محق در جدائی از عراق میدانند وای به موقعیت جدائی طلبان ایران که یک قطعنامه و ماده ۱۱ آن نیز به حمایت و حقانیت استقلال طلبی آنها از سوی گروهی بانضمام شخصیت های هویت دار ایرانی صادر شده است.

درس تاریخ همین است، ملاحظاتی که در جریان استقلال طلبی کردهای عراقی میگذرد، تجربه سیاسی است برای ما و تجزیه طلبان کشورمان که در پناه همین ماده ۱۱ شورای تجزیه طلبان جولانی خواهند داد که از هم اکنون دیدگان بصیر میهن پرستان را گریان میسازد.

جدائی طلبان کرد عراق استقلال میخوانند یعنی تصمیم گیری و احراز حاکمیت سیاسی و اداری و اقتصادی و فرهنگی .

اکنون بانهایت سرافکنندگی شهادت به ملاحظه ماده ۱۱ شورای تجزیه طلبان میشود تا احراز گردد که همه آن چیزهایی که جدائی طلبان عراقی میخوانند شورای تجزیه طلبان در طبق میهن فروشی به پیشواز جدائی طلبان ایرانی فرستاده است.

ماده ۱۱- پذیرش اصل ساختار حکومت غیر متمرکز مبنی بر تقسیم قدرت میان بخش های مختلف کشور با فراهم نمودن زمینه مشارکت مستقیم مردم مناطق مختلف ایران از طریق ایجاد نهادهای دموکراتیک محلی جهت اداره امور سیاسی، انتخاب مسئولین محلی، اقتصادی و فرهنگی محلی خود.

با اجازه رئیس شورای تجزیه طلبان

این تحریر با اجازه رئیس شورای تجزیه طلبان که اصرار در اجرای ماده ۱۱ قطعنامه شورار دارد و میفرمایند تیری انداخته ام و باید به هدف بخورد، خواهش دارد به عبارت <حکومت غیر متمرکز مبنی بر تقسیم قدرت میان بخشهای مختلف کشور>؛ که در ماده ۱۱ قطعنامه آمده کمی نگاه متفکرانه داشته باشید و در مقام مقایسه با حقوقی که مصوبه سازمان ملل متحد برای اقلیت ها قائل شده که حتی اشاره ای به قدرت ندارد مقایسه بفرماید و از معنای تفویض قدرت سیاسی و اجرایی هم غافل نمائید؛ تا شاید وجدان های خواب آلوده و گوش بفرمان بیگانه متوجه شوند که در راستای چه خیانتی عظیم نسبت به تمامیت ارضی کشور زیر نام نجات ایران جاده صاف کن تجزیه کشور شده اند و چگونه کمبود های مصوبه سازمان ملل متحد را در مورد تجزیه کشور ماده ۱۱ قطعنامه شورای تجزیه طلبان تامین کرده است.